Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization
Islamic Maaref University
Vol. 15, Autumn 2024, No. 56

Clarification of the Qur'anic foundations of justice and fighting against corruption In the civilizational approach that governs the statement of the second step

Reza Faqihzadeh [1] \ Elham Shahamat [2]

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Sattari Aviation University, Tehran, Iran. (Corresponding author).
faghihzadeh.r@yahoo.com
2. Studied at the third level of Imam Hasan Mojtabi (a.s.) Seminary, Tehran, Iran.
shahamatelham@gmail.com

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.05.16
Accepted:
2024.10.09

Abstract

In the civilizational approach that governs the second step statement, one of the important recommendations is to emphasize the combination of justice and fighting corruption, neither of which can emerge without the other. Since justice and the fight against corruption have a very important role in building society and civilization, it is very important to identify and explain the Qur'anic foundations of the combination of these two with the aim of reminding them of their importance and simultaneous role in the formation of a healthy and civilized society. This research has been done by content analysis and descriptive-interpretive method. The statistical population of the research is the Holy Quran, which was examined in its entirety, and for the validity and reliability of the research, the coefficient of agreement between the coders, and the multivariation of the sources were used. . The results show that, first of all, justice itself is an absolute truth derived from revelation and is compatible with human nature and understandable for them. Secondly, justice and the fight against corruption is a fact derived from Quranic teachings and there is a connection between them. This can be achieved not only by comprehensively looking at the Holy Quran, but in some cases, the necessity of simultaneous implementation of the two has been emphasized. Thirdly, without paying attention and acting within the framework of this necessity, we will not achieve society building and civilization building, which is our mission in the second step of the revolution.

Keywords Conjunction, justice, corruption, Holy Qur'an, Mullah Ali (pbuh), civilization, second step statement.

Cite this article: Faqihzadeh, Reza & Elham Shahamat (2024). Clarification of the Qur'anic foundations of justice and fighting against corruption In the civilizational approach that governs the statement of the second step. *The History of Islamic Culture And Civilization*. 15 (3). 9-32. DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.7

DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.7

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
جامعة المعارف الاسلامية
السنة ١٥ / الخريف عام ١٤٤٦ / العدد ٥٦

تبيين اسس معرفه القرآن بتلازم العداله و مكافحه الفساد فى التوجه الحضارى السائد على بيان الخطوه الثانية

رضا فقيه زاده [١] / الهام شهامت [٢]

١. استاذ مساعد فرع المعارف الاسلاميه بجامعة الشهيد ستاري الجوية، طهران، ايران (الكاتب المسؤول).
faghihzadeh.r@yahoo.com

٢. طالب المستوي الثالث في الحوزة العلمية الامام الحسن المجتبي عليه السلام، طهران، ايران.
shahamatelham@gmail.com

معلومات المادة	ملخّص البحث
نوع المقال: بحث **تاريخ الاستلام:** ١٤٤٥/١١/٠٧ **تاريخ القبول:** ١٤٤٦/٠٤/٠٥	في التوجه الحضاري السائد علي بيان الخطوة الثانية، احدي التوصيات الهامه، هو التاكيد علي تلازم العداله و مكافحه الفساد حيث لايمكن لاي منهما الظهور و البروز دون الآخر. نظرا لان العداله و مكافحه الفساد، له دور هام جدا في بناء المجتمع و الحضارة، فان التعرف و تبيين الاسس القرآنية ملازمه هذين بهدف التذكير باهميتهما و دورهما المتزامن في بلورة المجتمع السليم و الحضاري، لها اهميه كبيرة. هذا البحث تم باسلوب تحليل المحتوي و توصيفي ـ تفسيري. المجتمع الاحصائي للبحث، كان القرآن الكريم حيث تم بشكل تام اعداد الدراسه و بغيه الروايه و القياس للبحث ثم مدل التوافق بين واضعي الرموز و تنويع المصادر. النتائج الحاصله تبين انه اولا العداله نفسها هي حقيقه مطلقه مأخوذه من الوحي و منطبق علي الفطرة البشريه و بالنسبه لهم يمكن دركه. ثانيا العداله و مكافحه الفساد هي ايضا حقيقه مأخوذه من المعارف القرآنيه و يوجد بينهما الملازمه. هذا الامر ليس فقط قابل للحصول من خلال النظرة الشموليه في القرآن الكريم، بل يؤكد في حالات بسياق متصل بلزوم تنفيذهما بالتزامن معاً. ثالثا دون الملاحظه و العلم في اطار هذا التلازم، لانحصل علي بناء مجتمع و حضارة و هو مهمتنا في الخطوة الثانية.
الألفاظ المفتاحية	التلازم، العداله، الفساد، القرآن الكريم، مولي علي عليه السلام، الحضارة، بيان الخطوة الثانية.
الاقتباس:	فقيه زاده، رضا و الهام شهامت (١٤٤٦). تبيين اسس معرفه القرآن بتلازم العداله و مكافحه الفساد في التوجه الحضاري السائد علي بيان الخطوه الثانية. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٥ (٣). ٣٢ ـ ٩. DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.7
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/15.56.7
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دانشگاه معارف اسلامی
سال ۱۵، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۵۶

تبیین مبانی قرآن‌شناختی تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد در رویکرد تمدنی حاکم بر بیانیه گام دوم

رضا فقیه‌زاده [۱] / الهام شهامت [۲]

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هوایی شهید ستاری، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
faghihzadeh.r@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه امام حسن مجتبی علیه‌السلام، تهران، ایران.
shahamatelham@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۳۲ ـ ۹)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۱۸

چکیده

در رویکرد تمدنی حاکم بر بیانیه گام دوم، یکی از توصیه‌های مهم، تأکید بر تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد می باشد که هیچ‌کدام بدون دیگری امکان ظهوروبروز ندارد. ازآنجاکه عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، نقش بسیار مهمی در جامعه‌سازی و تمدن‌سازی دارد، شناسایی و تبیین مبانی قرآنی تلازم این دو با هدف تذکار به اهمیت و نقش هم‌زمان آنها در شکل‌گیری جامعه سالم و متمدن، اهمیت فراوانی دارد. این پژوهش به روش تحلیل محتوا و توصیفی ـ تفسیری انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق، قرآن کریم بوده که به‌صورت تمام‌شمار بررسی و برای روایی و پایایی تحقیق، از ضریب توافق بین کدگذاران، و چندسویه‌سازی منابع استفاده گردید. نتایج حاصل بیانگر آن است که اولاً خود عدالت یک حقیقت مطلقِ برگرفته از وحی بوده و با فطرت بشر منطبق و برای آنان قابل‌درک است. ثانیاً عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد هم یک حقیقت برگرفته از معارف قرآنی بوده و بین آنها تلازم وجود دارد. این امر نه‌تنها با جامع‌نگری در قرآن کریم قابل دسترس هست، بلکه در مواردی در سیاق متصل به لزوم اجرای هم‌زمان آن دو تأکید شده است. ثالثاً بدون توجه و عمل در چارچوب این تلازم، به جامعه‌سازی و تمدن‌سازی که مأموریت ما درگام دوم انقلاب است دست نخواهیم یافت.

واژگان کلیدی: تلازم، عدالت، فساد، قرآن کریم، مولا علی علیه‌السلام، تمدن، بیانیه گام دوم.

استناد: فقیه زاده، رضا و الهام شهامت (۱۴۰۳). تبیین مبانی قرآن‌شناختی تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد در رویکرد تمدنی حاکم بر بیانیه گام دوم. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۵ (۳). ۳۲ ـ ۹.
DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.7

کد DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.7

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

تبیین مسئله: مسئله این تحقیق، شناسایی و تبیین مبانی قرآن‌شناختی تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد در رویکرد تمدنی حاکم بر بیانیه گام دوم است. از لحاظ فکری در طول تاریخ اندیشه بشری، ماهیت عدالت و خاستگاه عدالت خواهی معرکه آرا بوده و نظرات متعددی در قبال آن ارائه شده است؛ مثلاً آیا عدالت خواهی فطری است؟ به عبارتی میل به عدالت فردی و اجتماعی، قطع نظر از هر منفعتی که انسان در عدالت داشته باشد، جزء مطلوب‌های بشر هست یا خیر؟ عده‌ای معتقدند اساساً چنین قوه و نیرویی در نهاد بشر وجود ندارد. به تعبیر استاد شهید مطهری بیشتر فیلسوفان اروپا این‌طور فکر می‌کنند و عدالت را اختراع مردمان زبون می‌دانند[۱] که چون زور نداشتند با اقویا مبارزه کنند، گفتند عدالت خوب است و انسان باید عادل باشد؛ البته این‌هایی که عدالت‌خواهی را فطری بشر نمی‌دانند دو گروه هستند؛ گروهی می‌گویند: «به‌عنوان یک آرزو هم نباید به‌دنبال عدالت رفت؛ باید به‌دنبال قدرت رفت.» ماکیاولی و نیچه جزو این اشخاص هستند.[۲] عده دیگری مانند برتراند راسل می‌گویند: «باید به‌دنبال عدالت رفت، ولی نه به‌خاطر اینکه عدالت مطلوب ماست و عدالت‌خواهی فطری است، بلکه اصل همان منفعت فردی است؛ ولی ازآنجاکه منفعت فرد در این است که عدالت در جمع برقرار باشد، باید با تقویت علم و عقل دنبال عدالت رفت.» مارکسیست‌ها هم معتقدند: «عدالت، عملی است، ولی کار انسان نیست. نه می شود انسان را آن‌طور تربیت کرد که واقعاً عدالت را از عمق جانش بخواهد و نه می‌شود علم و عقل بشر را آن‌قدر تقویت کرد که منفعت خودش را در عدالت جمع بداند. عدالت را باید از ابزارهای اقتصادی خواست. تحولاتی که ابزارهای اقتصادی و تولیدی پیدا می‌کنند، به دنیای سرمایه‌داری می‌رسد، دنیای سرمایه‌داری خودبه‌خود به دنیای سوسیالیستی منتهی می‌شود و در دنیای سوسیالیستی به حکم جبر ماشین مساوات و عدالت برقرار می‌شود.»[۳]

برخی نویسندگان وطنی[۴] نیز موضوع عدالت را تا حد یک قرارداد و عرف معمول اجتماعی تنزل داده و جنبه وحیانی و قدسی این موضوع حیاتی را از آن سلب، و نسبی‌بودن آن را القاکرده‌اند.[۵]

---

۱. ر.ک: مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۱۸، ص ۱۵۶.

۲. ن.ک: دورانت، ***تاریخ تمدن***، ج ۵، ص ۵۸۴، ۵۸۹، ۵۹۱ و ج ۱۱، ص ۱۲۱ و ۳۱۹؛ نیچه، ***تبارشناسی اخلاق***، ص ۶۸ ـ ۲۵؛ باربور، ***علم ودین***، ص ۱۳۷ و ۴۴۴.

۳. ر.ک: مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۱۸، ص ۱۵۸ ـ ۱۵۵.

۴. ر.ک: قادری، ***آزادی وجدان (مفهومی پساپیامبری)***، ص ۶۰ ـ ۲۹.

۵. ن.ک: موسی‌زاده، ***حاکمیت و عدالت در قرآن و اندیشه سیاسی امام علی***، ***نشریه حقوق اساسی***، ش ۵، ص ۱۸۰.

در مقابل، اسلام عدالت را یک حقیقت و فضیلت به شمار آورده است و آن را فطری بشر می‌داند و می‌گوید که اگر بشر خوب تربیت شود و زیردست مربی کامل قرار گیرد، به جایی می‌رسد که خودش واقعاً عدالت‌خواه می‌شود و عدالت جمع را بر منفعت خودش ترجیح می‌دهد.[۱] از نظر اسلام عدالت یک قرارداد اجتماعی نیست، بلکه حقیقتی قدسی است که ماهیت آن در تمام زمان‌ها ثابت بوده است. یکی از رسالت‌های مهم انبیاء، ایستادگی در مقابل ظلم و تحقق عدالت در جوامع بشری بوده است.[۲]

مسئله مهم دیگری که در این راستا وجود دارد این است که آیا عدالت‌ورزی بدون مبارزه با فساد، امکان ظهور و بروز کامل دارد یا خیر؟ آیا می‌توان بدون توجه همزمان به این دو، به جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی رسید یا خیر؟

ازآنجاکه بیانیه گام دوم رویکرد تمدنی دارد، مقام معظم رهبری در بخشی از بیانیه گام دوم، تأکید کرده‌اند که پیروزی انقلاب اسلامی، آغازگر عصر جدید در عالم بوده و هم‌اکنون انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی وارد شده است. معظم له در بند چهارم از توصیه های خود در گام دوم انقلاب، به تحقق عدالت و مبارزه با فساد و توجه همزمان به این دو و عدم غفلت از تلازم آن دو تأکید می‌کنند. ایشان ضمن تأکید به تلازم عدالت و مبارزه با فساد، به زمینه‌های بروز فساد و مصادیقی از آن اشاره و آن‌ها را مانع تحقق عدالت معرفی می‌کنند.[۳]

به نظر می‌رسد ریشه این دیدگاه به قرآن کریم برمی‌گردد. در نگاه قرآن کریم پیامدهای تلازم تحقق عدالت و مبارزه با فساد، آن‌قدر مهم است که بارها این امر به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه قرآن کریم، فلسفه اجتماعی بعثت همه انبیاء را تربیت مردم به‌گونه‌ای‌که خود مجری عدالت شوند دانسته[۴] و به آنان دستور داده با فتنه‌گران و فسادانگیزان مقابله کنند[۵] و این امر را مایه حیات اجتماعی،[۶] عامل فسادستیزی[۷] و مانع ویرانی مراکز عبادی[۸] می‌داند. جالب آنکه به عقیده تاریخ تمدن‌نویسان، یکی از مهم‌ترین دلایل قدرت، فرهنگ و تمدن‌سازی مسلمانان، توجه و عمل به همین معارف بوده است.[۹]

---

۱. ر.ک: مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۱۸، ص ۱۵۹ ـ ۱۵۸.
۲. حدید / ۲۵.
۳. ن.ک: بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲؛ https://khl.ink/f/41673
۴. حدید / ۲۵.
۵. بقره / ۱۹۵ ـ ۱۹۰؛ انفال / ۳۹؛ حج / ۴۰ ـ ۳۹.
۶. بقره / ۱۷۹.
۷. بقره / ۲۵۱.
۸. حج / ۴۰.
۹. ن.ک: دورانت، ***تاریخ تمدن***، ج ۴، ص ۲۳۶ ـ ۲۳۵.

اهمیت و ضرورت موضوع: در کنار موارد فوق که اهمیت و ضرورت تحقیق درباره تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد را گوشزد می‌کند، نکته دیگری که توجه به آن لازم است، ماهیت اسلامی انقلاب ماست. ازآنجاکه یکی از خواست‌های اصلی اسلام، برقراری عدالت اجتماعی است، انقلاب ما نمی‌تواند نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشد. به تعبیری، زمانی آینده این انقلاب محفوظ می‌ماند و این انقلاب تداوم می‌یابد که مسیر عدالت‌خواهی را برای همیشه ادامه دهد.[۱] بنابراین با عنایت به نقش تعیین‌کننده عدالت و مبارزه با فساد در بسترسازی برای جامعه‌ای سالم و متمدن، ضرورت دارد نسبت به این اصل مهم اهتمام ورزیده، از بُعد علمی و عملی اقدامات بایسته‌ای انجام گیرد. در این تحقیق که با انگیزه برداشتن گامی، هرچند کوتاه، در زمینه تحقق عدالت و مبارزه با فساد انجام شده است، بحث شناسایی و تبیین مبانی قرآن‌شناختی تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد در رویکرد تمدنی حاکم بر بیانیه گام دوم مطمح نظر قرار گرفته و تلاش شده است با مراجعه به مهم‌ترین منبع دینی، مبانی تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد تبیین شود.

پیشینه موضوع

در مقاطع مختلف تاریخی، چه در غرب و چه در عالم اسلام، در خصوص عدالت با رویکردهای متفاوت، سخن بسیار گفته شده است.[۲] در عصر حاضر دراین‌باره می‌توان به کتاب ***نظریه عدالت***، نوشته جان راولز، اشاره کرد. ایشان نظریه خود را «عدالت به‌مثابه انصاف یا عدالت و انصاف» نامیده[۳] و با الهام از اندیشه های کانت، اخلاقیات را در دل لیبرالیسم جای داده و در بحث عدالت بر اصول و قواعد اخلاقی تأکید می‌کند.[۴] کتاب ***عدل الهی***، نوشته استاد شهید مطهری، که به رویکردهای مختلف فرق اسلامی نسبت به عدل الهی پرداخته و آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار داده است و مقالات متعددی دراین‌باره به رشته تحریر در آمده است؛ اما در خصوص مقالات قریب به مضمون موضوع مقاله حاضر، می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد:

۱. «بررسی و تبیین عدالت و مبارزه با فساد در ناجا در بیانیه گام دوم انقلاب» که در حوزه ناجا به مراحل تکوین عدالت و مبارزه با فساد در چله اول انقلاب، دستاوردها، افق‌ها و الزامات تداوم هدفمند

---

۱. ن.ک: مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۲۴، ص ۷۴.

۲. ن.ک: فروغی، ***سیر حکمت در اروپا***، ج ۱، ص ۱۸؛ ج ۲، ص ۲۴۶؛ پازارگاد، ***تاریخ فلسفه سیاسی***، ج ۱، ص ۱۰۹؛ ج ۲، ص ۵۷۶ و ۵۷۸.

۳. ر.ک: بلوم، ***نظریه‌های نظام سیاسی***، ج ۲، ص ۷۵۱.

۴. ر.ک: اخوان کاظمی، ***عدالت در نظام سیاسی اسلام***، ص ۵۶؛ لطیفی، ***مبانی عدالت اجتماعی***، ص ۸۷ ـ ۸۵.

عدالت و مبارزه با فساد پرداخته است.

۲. مقاله «نقش مبارزه با فساد در ارتقای شاخص‌های عدالت» که با ارزیابی شاخص‌های عدالت اقتصادی و اجتماعی در ایران و دیگر کشورها و نقش مبارزه با فساد در ارتقای شاخص‌های عدالت، به این نتیجه رسیده است که مبارزه و کنترل فساد، اثر مثبتی بر ارتقای شاخص‌های عدالت اقتصادی ـ اجتماعی (ضریب جینی و نرخ بیکاری) دارد.

۳. مقاله «واکاوی تلازم عدالت و سیاست در اندیشه فقهی سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» که در این راستا به بررسی نقش سیاست در تحقق عدالت اجتماعی، الزامات سیاسی عدالت، سیاست و موانع تحقق عدالت و گزاره های بیانگر رابطه عدالت و سیاست پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در اندیشه فقهی ـ سیاسی مقام معظم رهبری، عدالت موقعیت ممتازی داشته و یکی از مبانی اساسی فقه سیاسی ایشان است.

۴. مقاله «تبیین مؤلفه‌های مبارزه با فساد و برقراری عدالت، با تأکید بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب» که مؤلفه های توسعه عدالت و مبارزه با فساد را از بیانات مقام معظم رهبری استخراج کرده است.

۵. مقاله «مستندات روایی بند «عدالت و مبارزه با فساد» در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» که از نامه‌های ***نهج‌البلاغه*** این مستندات را استخراج کرده است.

۶. مقاله «تبیین مؤلفه عدالت و مبارزه با فساد با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» که مطالبی از قبیل شاخص‌های بی‌عدالتی، بسترهای اجرای عدالت، پیامدهای عدم تحقق عدالت، موانع و راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی تشریح شده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، هریک از این مقالات از زاویه‌ای به بحث عدالت و مبارزه با فساد پرداخته‌اند. در مقاله اول توفیقات ناجا در خصوص دو مقوله عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد در چله اول انقلاب اسلامی و بایسته‌های چله دوم، بررسی شده است. در مقاله دوم این نتیجه حاصل شده است که مبارزه با فساد بر ارتقای شاخص‌های عدالت اقتصادی ـ اجتماعی اثر مثبت دارد. در مقاله سوم و چهارم جایگاه ممتاز عدالت، مؤلفه های توسعه عدالت و مبارزه با فساد در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری بررسی شده است. در مقاله پنجم مستندات روایی عدالت و مبارزه با فساد از نامه‌های ***نهج‌البلاغه*** استخراج شده است و مقاله ششم به تبیین دو مقوله مزبور پرداخته است. با این وجود تا آنجا که بررسی شد مقاله‌ای با عنوان و محتوای مقاله حاضر که مبانی قرآن‌شناختی تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد را شناسایی و تبیین کرده باشد، یافت نشد. تبیین اینکه نگاه قرآن به تلازم این دو مقوله چیست، مأموریت

مقاله حاضر را شکل داده است. بنابراین تفاوت مقاله حاضر با دیگر مقالات مشابه موضوعی، در موارد ذیل است:

۱. موضوع مقاله که تا آنجا که بررسی شد در جای دیگری به آن پرداخته نشده است؛

۲. روش مقاله و همان‌طور که در روش تحقیق توضیح داده خواهد شد، روش مقاله حاضر با دیگر مقالات متفاوت است؛

۳. محتوای مقاله که تلاش شده تبیین‌های جامعی از نکته‌پردازی‌های دقیق قرآن کریم، به‌صورت تطبیقی با مراجعه به تفاسیر معتبر فریقین ارائه شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری و در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول که به روش تحلیل محتوا صورت گرفت و متن قرآن کریم بررسی و کلماتی که حاوی ریشه‌های «عدل» و «فسد» یا کلمات قریب به مضمون آن‌ها و در ارتباط صریح با وجوب عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد بود، شناسایی و سپس با تحلیل محتوای کیفی، تبیین شد. کدگذاری در دو مرحله انجام شد و ابتدا کدگذاری باز انجام، و سپس با کدگذاری محوری، با طبقه‌بندی کدهای مشابه و حذف کدهای تکراری، مقوله های اصلی شکل گرفتند. در مرحله دوم، این آیات با تحلیل سیاق متصل و منفصل آن‌ها با روش تفسیری ـ تحلیلی، تبیین شدند.

روش نمونه‌گیری به‌صورت تمام شمار بوده و تمامی آیات قرآن کریم مرتبط با عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، بررسی شده است؛ ولی ازآنجاکه تبیین همه آن‌ها در یک مقاله نمی‌گنجید، در این مقاله سعی شد صرفاً آیاتی که در سیاق متصل تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد را می‌رساند، تبیین شود.

روایی پژوهش نیز از دو طریق انجام شده است. در بخش تحلیل محتوا، بخشی از متن توسط دو کدگذار بررسی و ضریب توافق بین کدگذاران محاسبه شد که بیش از نود درصد بود و در بخش توصیفی ـ تحلیلی با روش چندسویه‌سازی منابع تأمین شد. این امر با مراجعه به تفاسیر معتبر قرآن، اعم از آثار نویسندگان شیعه و سنی، به‌صورت تطبیقی انجام گرفته است.

تبیین مفاهیم کلیدی پژوهش

۱. معنای عدالت

عدالت اسم مصدر از واژهٔ عدل است که معانی متعددی برای آن در منابع لغوی و تفسیری ذکر شده است، ازجمله:

الف. انصاف: «**العدل؛ الانصاف و هو اعطاء المرء ماله و اخذ ما علیه...** »؛[۱]

ب. ضد جور و حکم به حق: «**العدل... و هو ضد الجور... والعدل؛ الحکم باالحّق**»؛[۲]

ج. عدالت و معادله لفظی است که معنای مساوات را اقتضاء می‌کند: «**العدالة و المُعادلة لفظٌ یقتضي معني المساواة و یُستعملُ باعتبار المُضایَفهِ ... فالعدلُ هوالتقسیطُ علي سواءٍ...**».[۳]

علامه طباطبایی در توضیح نظر راغب می‌گوید: «این گفتار با تفصیلی که راغب داده است، برگشتش به قول کسانی است که می‌گویند: "عدالت میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است." و این در حقیقت معنا کردن کلمه، به لازمه معنای اصلی، یعنی اقامه مساوات و موازنه بین امور است به اینکه به هر چیزی از سهم، آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور، در جای واقعی خود که مستحق آن است مساوی شود.»[۴]

دقت در روایات منقول از مولا علی‌علیه‌السلام درباره معنای عدل، مانند: «**اَلعَدلُ یَضَعُ الأُمُورُ مَوَاضِعَهَا**»؛[۵] «**ولا یکونَنَّ المُحِسنُ والمُسِيءُ عِندكَ بِمنزِلةِ سَواءٍ...** »،[۶] مبیِّن این مطلب است که در عدالت به هرکسی سهم بایسته داده می‌شود و همگان در رسیدن به سهم خود و قرارگرفتن در جایگاه بایسته خود برابرند.

استاد شهید مطهری، مجموعاً چهار معنا برای عدل نقل کرده است:

۱. موزون بودن؛

۲. تساوی و نفی هرگونه تبعیض؛

۳. رعایت حقوق افراد و اعطای حق ذی‌حق، در مقابل ظلم و تصرف در حقوق دیگران؛

۴. رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود.

ایشان معتقد است، از نظر حکمای الهی، مفهوم حقیقی عدل درباره بشر معنای سوم آن است.[۷]

عدالت از زاویه نگاه تمدنی

در خصوص واژه «تمدن»، اصلی‌ترین معنایی که محققان بر آن اتفاق‌نظر دارند، شهرنشین‌شدن و اقامت

---

۱. مفید، ***الافصاح***، ص ۲۴۲.

۲. ابن‌منظور، ***لسان العرب***، ج ۱۱، ص ۴۳۰.

۳. راغب اصفهانی، ***مفردات***، ص ۵۵۱.

۴. طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

۵. ***نهج‌البلاغه***، حکمت ۴۳۷، ص ۷۳۴.

۶. همان، نامه ۵۳، ص ۵۷۰.

۷. مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۱، ص ۸۴ ـ ۷۸.

در شهر است.[۱] کلمه تمدن در عربی معادل واژه «الحضارة» بـه معنـای اقامـت در شـهر اسـت.[۲] علامـه جعفری معتدند:

> تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاحم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به‌طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد.[۳]

با توجه به مفهوم تمدن، مسلماً آنچه که می‌تواند آحاد جامعه را در کنار هم راضـی نگهـدارد و بـرای همه گشایش ایجاد کند، عدالت است. عدالت از زاویه نگاه تمدنی معصومانه به‌منزله یک عنصر پیشرفت‌زا است. مولا علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

> وَ اللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تُزُوِّجَ بِهِ النِّسَاءُ وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَق.[۴]

در این خطبه بر اجرای قاطعانه عدالت تأکید شده است و در مورد فلسفه آن بیـان شـده کـه عـدالت موجب گشایش برای عموم می‌شود و کسی که محیط عدل و داد در نظرش تنگ آید، عرصهٔ جور و ستم بر وی تنگ‌تر خواهد بود. گشایش در امور باعث پیشرفت جامعه می‌شود، عـدالت همـه‌جانبـه، پیشـرفت همه‌جانبه را در پی دارد و با پیشرفت همه‌جانبه در عرصه‌های مختلـف، تمـدن‌سـازی شـکل مـی‌گیـرد؛ برعکس در جامعه‌ای که عدالت نباشد، ظلم حاکم می‌شود، خفقان جامعـه را فرامـی‌گیـرد و در نتیجـه از گشایش و پیشرفت هم خبری نخواهد بود و این امر به افول تمدنی می‌انجامد. در طول تاریخ نیز، یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که در نقطه مقابل عدالت قرار دارد.

۲. تعریف فساد

خروج چیزی از حالت استقامت و بهره‌وری را فساد گویند و نقیض آن صلاح است.[۵] فساد خروج چیزی از حدّ اعتدال است، چه کم باشد و چه زیاد. ضدّ فساد، صلاح است و فسـاد در مـورد نفـس، بـدن و اشـیاء،

---

۱. جان احمدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۲۵ ـ ۲۴.
۲. ابن‌منظور، ***لسان العرب***، ج ۲، ص ۱۰۳.
۳. جعفری، ***فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو***، ج ۶، ص ۲۳۳.
۴. ***نهج‌البلاغه***، خطبه ۱۵، ص ۵۸.
۵. زمخشری، ***الکشاف***، ج ۱، ص ۶۲؛ طبرسی؛ ***جوامع الجامع***، ج ۱، ص ۲۰.

زمانی به کار می‌رود که هریک از این موارد از حدّ استقامت و تعادل خارج شده باشند.[۱] بنابراین تمام نابسامانی‌ها و همه افراط و تفریط‌ها در مسائل فردی و اجتماعی، مصداق فساد است. اینکه در بسیاری از آیات قرآن، «فساد» همراه کلمه «فی الارض» ذکر شده، نظر به جنبه های اجتماعی مسئله است.[۲] نکته قابل توجه، معارضه «فساد» با «صلاح» از نظر کمی و کیفی است. از دیدگاه قرآن، اساس زندگی بر نظم و صلاح بنا شده است؛ ازاین‌رو خدای متعال با وجود حمایت مستمر از صالحان، همواره نسبت به مفسدان اظهار نفرت و غضب کرده و دیگران را به عبرت گرفتن از عاقبت آنان فراخوانده است.[۳] در محور جانشینی نیز، «ظلم» با «فساد» رابطه عام و خاص دارد، چنان‌که هر فسادی، با رویکردی ظالمانه، یعنی ازاله حق و خروج از حد اعتدال، همراه است. از جهتی دیگر، واژه «کفر» معادل با «فساد» است؛ زیرا عدم اعتقاد به وجود ناظمی مصلح برای عالم، همان فساد اعتقادی و ریشه اصلی تمام مفاسد است. بنابراین ماهیت هر فسادی، متشکل از «سیئه» و شرارت است.[۴]

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود کارکرد عدالت دقیقاً در برابر کارکرد فساد است. عدالت، استقامت و ثبات و تعادل را به جامعه می‌آورد و فساد، جامعه را از حالت استقامت و تعادل خارج می‌کند. صلاح جامعه دقیقاً در عدالت‌ورزی است، چون هر چیزی را سر جای خود قرار می‌دهد؛ ولی فساد در مقابل صلاح قرار دارد. مبارزه با فساد، صلاح جامعه را در پی دارد. بنابراین از لحاظ مفهومی، کارکرد و نتیجه عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، یک چیز است و و این دو مکمل یدیگرند. همان‌گونه که اجرای درست هرکدام تکمیل‌کننده دیگری است، کم‌کاری در هریک نیز به دیگری لطمه خواهد زد، در نتیجه در جامعه‌سازی، این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم جداشدنی نیستند.

یافته‌های پژوهش

۱. مرحله اول: تحلیل محتوا

در مرحله اول تحقیق، با کدگذاری باز آیات قرآن کریم به شرح جدول ذیل، آیات مرتبط با عدالت ورزی و مبارزه با فساد شناسایی شد.

---

۱. راغب اصفهانی، ***مفردات***، ص ۶۳۶.

۲. مکارم شیرازی، ***نمونه***، ج ۱۰، ص ۲۰۱.

۳. اعراف / ۸۶ و ۱۰۳.

۴. ن.ک: فتاحی‌زاده و شیردل، «معناشناسی توصیفی «فساد» در تفسیر آیات قرآن کریم»، فصلنامه ***مطالعات تفسیری***، سال نهم، شماره۳۴، ص ۴۲ ـ ۲۵.

نمونه کدگذاری باز آیات قرآن کریم

متن منتخب از قرآن کریم	کد
وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ... فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ... . (بقره / ۲۸۲)	دعوت به عدالت‌محوری در نوشتن و املای قرارداد معامله
... وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ... . (نساء / ۵۸)	دعوت به عدالت‌محوری در حکم کردن
... وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ... . (نساء / ۱۲۷)	دعوت به عدالت در مورد یتیمان
... كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ... فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا... . (نساء / ۱۳۵)	دعوت به قسط و عدالت‌محوری
... كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى... . (مائده / ۸)	دعوت به قسط و عدالت‌محوری
وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ. (مائده / ۴۲)	دعوت به قسط در حکم‌کردن
... وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ... . (انعام / ۱۵۲)	دعوت به قسط در کیل و وزن و عدالت در گفتار
وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ... وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. (هود / ۸۵)	دعوت به عدالت‌ورزی و دوری از فساد
وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ... هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ... . (نحل / ۷۶)	فضیلت‌بودن امر به عدالت
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ... . (نحل / ۹۰ ـ ۸۸)	تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد
وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ. (اسراء / ۳۵)	دعوت به قسط در کیل و وزن
وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ. (شوری / ۱۵)	پیامبر ﷺ مأمور به عدالت محوری
... فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا. (حجرات / ۹)	قتال با طغیانگر و دعوت به عدل و قسط در مصالحه
وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ. (رحمان / ۹)	دعوت به قسط در وزن‌کردن
لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ... . (حدید / ۲۵)	عدالت‌گستری فلسفه اجتماعی بعثت انبیا

متن منتخب از قرآن کریم	کد
لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ...أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ. (ممتحنه / ۸)	دعوت به قسط حتی با غیر هم‌کیشان
... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ... × ... وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ. (اعراف / ۸۶ ـ ۸۵)	عدالت‌ورزی و عدم صد عن سبیل‌الله از مصادیق بارز فساد
فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ. (اعراف / ۱۰۳)	ظلم از نمودهای فساد
فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ... . (هود / ۱۱۶)	مبارزه با فساد مسئولیت و وظیفه‌ای دینی
إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا... . (مائده / ۳۳)	فسادانگیزی مرادف با جنگ با خدا و رسول
تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا... . (قصص / ۸۳)	فسادانگیزی مساوی با ازدست دادن آخرت

پس‌از شناسایی آیات مرتبط با عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد و کدبندی آنها، با حذف کدهای تکراری موضوعات کدهای مزبور به شرح جدول ذیل طبقه‌بندی شد:

کدگذاری محوری و موضوعی آیات مربوطه

ردیف	موضوعات برگرفته از کدها	آیات مربوطه	برداشت موضوعی
۱	دعوت به عدالت‌محوری در نوشتن و املای قرارداد معامله	بقره / ۱۸۲	عدالت‌ورزی
۲	دعوت به عدالت‌محوری در حکم کردن	نساء / ۵۸؛ مائده / ۴۲	عدالت‌ورزی
۳	دعوت به عدالت در مورد یتیمان	نساء / ۱۲۷	عدالت‌ورزی
۴	دعوت مومنان به قسط و عدالت‌محوری و عدم تأثیرپذیری از حب و بغض‌ها	نساء / ۱۳۵؛ مائده / ۸	عدالت‌ورزی و مبارزه با هوای نفس
۵	دعوت به قسط در کیل و وزن	انعام / ۱۵۲؛ هود / ۸۵؛ اسراء / ۳۵؛ شعراء / ۱۸۲؛ رحمان / ۹	عدالت‌ورزی
۶	دعوت به عدالت‌ورزی و نهی از فسادانگیزی	هود / ۸۵ و ۱۱۶؛ اعراف / ۸۶ ـ ۸۵؛ نحل / ۹۰ ـ ۸۸؛ حجرات / ۹؛ حدید / ۲۵	تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد
۷	عدالت‌ورزی و عدم صد عن سبیل الله از مصادیق بارز فساد	اعراف / ۸۵ ـ ۸۶	عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد

ردیف	موضوعات برگرفته از کدها	آیات مربوطه	برداشت موضوعی
۸	مبارزه با فساد و ظلم وظیفه‌ای دینی	هود / ۱۱۶	مبارزه با فساد و عدالت‌ورزی
۹	دعوت به عدالت‌محوری در گفتار	انعام / ۱۵۲	عدالت‌ورزی
۱۰	فضیلت‌بودن امر به عدالت	نحل / ۷۶	عدالت‌ورزی
۱۱	امر همگان به عدالت و نهی از بغی و تعدی	نحل / ۹۰	عدالت‌ورزی
۱۲	دعوت به عدل و قسط در مصالحه	حجرات / ۹	عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد و بی‌عدالتی
۱۳	عدالت‌گستری فلسفه اجتماعی بعثت انبیا	حدید / ۲۵	عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد و بی‌عدالتی
۱۴	پیامبرﷺ مأمور به عدالت‌محوری	شوری / ۱۵	عدالت‌ورزی
۱۵	دعوت به قسط حتی با غیر هم‌کیشان	ممتحنه / ۸	عدالت‌ورزی
۱۶	میزان رذیلت فسادانگیزی	مائده / ۳۳؛ قصص / ۸۳	مبارزه با فساد

۲. مرحله دوم: توصیف و تحلیل

ازآنجاکه در یافته‌های فوق دعوت به عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد به‌صورت صریح بیان شده است و از آن چنین برداشت می‌شود که معرفت قرآنی با جامع‌نگری به دست می‌آید، تبیین و تحلیل هریک از این موارد، نتیجه مشترکی خواهد داشت؛ ولی با عنایت به محدودیت کمیت مقاله، از بین گزاره‌های فوق، به تحلیل آن‌هایی می‌پردازیم که ناظر به مسئله تحقیق، یعنی تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد در سیاق متصل بوده و به‌نوعی پاسخ به سؤالات مطرح شده است.

یک. عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، دستورالعمل کلی اسلامی

یکی از آیاتی که اهمیت عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد را در ضمن یک دستورالعمل کلی به همگان تذکر می‌دهد، این آیه شریفه است:

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ * ... * إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.[۱]

آیه ۸۸ به‌صراحت صد نمودن راه خدا را از بارزترین مصادیق فساد معرفی فرموده و به کفار به‌خاطر

۱. نحل / ۹۰ ـ ۸۸.

این فسادشان[۱] وعده عذاب مضاعف می‌دهد؛ یعنی درست است که کفر، عذابی دارد، ولی وقتی به صدّ راه خدا کشیده می‌شود، ازآنجاکه، فساد اجتماعی را به دنبال دارد، به کسی که مرتکب آن می‌شود، وعده عذاب مضاعف داده می‌شود. بعد در آیه نود به‌صراحت، هم امر به عدالت‌ورزی دیده می‌شود و هم نهی از فحشاء و منکر و تعدی به حقوق دیگران که همگی زمینه‌ساز فساد هستند، تذکر داده شده است.

از ظاهر سیاق آیه برمی‌آید که مراد از عدالت در این آیه، بیشتر عدالت نسبت به دیگران و به تعبیری عدالت اجتماعی است، به این معنا که با هریک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و هرکس باید در جایگاهی قرار داده شود که سزاوار آن است؛ این امر به خصلت اجتماعی، بر تک‌تک افراد مکلف صدق می‌کند و لازمه آن این است که امر متعلق به مجموع نیز باشد؛ یعنی هم جامعه مکلف به اقامه این حکم است و هم حکومت که متولی و مدبر کار اجتماع است، بایستی از این امر پیروی کند.[۲]

از احادیث فراوانی که ذیل این آیات شریفه آمده[۳] به‌خوبی استفاده می شود که آیه فوق به‌عنوان یک دستورالعمل کلی اسلامی، همواره مورد توجه مسلمانان بوده است، تا آنجا که طبق حدیثی، هرگاه مولا باقر علیه السلام نماز جمعه می‌خواند، آخرین سخنش در خطبه نماز همین آیه بود و به‌دنبال آن چنین دعا می‌کرد: «**اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرَ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرِي**».[۴]

نکتهٔ دیگر اینکه موقعیت اجتماعی بالا، مراقبت بیشتری لازم دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند؛ «**صنفان من امتي اذا صلحا صلحت امتي واذا فسدا فسدت امتي**». عرض کردند: «ای رسول خدا، این دو گروه چه کسانی هستند؟» ایشان فرمود: «**الفقهاء والامراء**».[۵]

از تمام این موارد می‌توان به جایگاه و اهمیت فوق‌العاده عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، خصوصاً از طرف مسئولین جامعه، پی برد. ضمن اینکه امر و نهی در آیه شریفه که در سیاق واحد و بلکه آیه واحدی آمده، دلیل بر تلازم و هم‌زمانی عدالت‌ورزی و مبارزه با ظلم و فساد است. بنابراین اینکه در بیانیه گام دوم، بر تلازم دو مقوله عدالت و مبارزه با فساد تأکید شده است، مبنای قرآنی دارد و حاکی از اهمیت توجه به هر دوی این موارد در اصلاح جامعه است.

---

۱. طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۲، ص ۳۲۱؛ مراغی، ***تفسیر المراغی***، ج ۱۴، ص ۱۲۷.

۲. طباطبایی، ***همان***، ص ۳۳۱؛ همین‌طور ن.ک: مراغی، همان، ج ۱۴، ص ۱۳۳ ـ ۱۳۰.

۳. ن.ک: بحرانی، ***البرهان***، ج ۳، ص ۴۴۹ ـ ۴۴۷؛ عروسی حویزی، ***نور الثقلین***، ج ۳، ص ۸۰ ـ ۷۷؛ سیوطی، ***الدرّ المنثور***، ج ۴، ص ۱۲۸.

۴. کلینی، ***الکافی***، ج ۳، ص ۴۲۴.

۵. ر.ک: قمی، ***تفسیر القمی***، ج ۱، ص ۱۲۱ ـ ۱۲۰؛ همین‌طور ن.ک: مکارم شیرازی، ***نمونه***، ج ۱۱، ص ۳۷۴ ـ ۳۷۳.

دو. عدالت‌ورزی و مبارزه با ظلم و فساد از اهداف مهم بعثت انبیا

یکی دیگر از آیاتی که صریحاً به تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با ظلم و فساد اشاره دارد، آیه:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ.[۱]

طبق این آیه شریفه، هدف از ارسال رسل که به ابزارهای مهم سه‌گانه، بینات (معجزات و دلایل عقلی)،[۲] کتاب وحیی که می‌تواند به‌صورت کتاب درآید[۳] و میزان (وسیله وزن و سنجش)[۴] مجهز بوده‌اند این است که «**لِيَقومَ النّاسُ بالقسطِ**»؛ یعنی خود مردم به عدل قیام کنند.[۵] اقامهٔ یک چیز به معنای اجرای آن به درست‌ترین صورت است و این عوامل سه‌گانه (بیان، کتاب و میزان) که از تجهیزات انبیاﷺ هستند، مکمل یکدیگرند تا ضامن ایجاد محیط مناسب برای برپاداشتن قسط و عدل باشند؛ در واقع اجراشدن این امر توسط مردم، محقق‌شدن یکی از اهداف مهم رسالت‌های الهی است.

این هدف والا تنها به مفهومِ محدودِ برداشتن فاصله طبقاتی اجتماعی خلاصه نمی‌شود، بلکه به مفهوم پیوستگی و التزام به حق و انصاف از جانب انسان در تمام ابعاد زندگی و روابط او، در پیوند او با پروردگارش و با رهبرش، و در وابستگی او به خویشتن و اجتماع خود و در رابطه او با آفریدگان پیرامونش است.[۶]

همچنین از این آیه شریفه برداشت می‌شود که اگر مردم از مسئولیت خود در برابر عدالت شانه خالی کنند، قسط و عدلی بر پا نمی‌شود. بنابراین مهم آن است که مردم، چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت شوند؛ ولی ازآنجاکه به‌هرحال در یک جامعه انسانی هرقدر هم سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد، باز افراد فاسدی پیدا می‌شوند که با طغیانگری، مانع اجرای قسط و عدل می‌شوند؛ لذا در ادامه

---

۱. حدید / ۲۵.

۲. طبرسی، ***مجمع البیان***، ج ۹، ص ۳۶۳؛ فخررازی، ***مفاتیح الغیب***، ج ۱۰، ص ۴۶۹.

۳. طبرسی، ***جوامع الجامع***، ج ۴، ص ۲۵۱؛ زمخشری، ***الکشاف***، ج ۴، ص ۴۸۰.

۴. در مورد میزان، اقوال مختلفی وجود دارد؛ امام معصومﷺ (ن.ک: قمی، ***تفسیر القمی***، ج ۲، ص ۳۵۲؛ بحرانی، ***البرهان***، ج ۵، ص ۳۰۳) ترازو که دارای دو کفه است و سنگینی‌ها را با آن می‌سنجند. (طوسی، ***التبیان***، ج ۹، ص ۵۳۴؛ طبرسی، ***مجمع البیان***، ج ۹، ص ۳۶۳)؛ عقل (به نقل از؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۹، ص ۱۷۲)؛ عدالت (آلوسی، ***روح المعانی***، ج ۱۴، ص ۱۰۱) به‌طورکلی، مراد از میزان همان چیزی است که به‌وسیله آن هر چیزی، اعم از اینکه میزان برای عقیده باشد، یا فعل و یا قول، را می‌سنجند و اندازه‌گیری می‌کنند. میزان هر چیزی به حسب خود آن چیز است؛ مثلاً میزان طلا چیزی است و میزانی که با آن عقاد و اخلاق و گفتار و کردار را می‌سنجند چیز دیگری است. (ر.ک: طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۹، ص ۹۷)

۵. ن.ک: طوسی، ***التبیان***، ج ۹، ص ۵۳۴؛ طبرسی، ***مجمع البیان***، ج ۹، ص ۳۶۳؛ صدرا، ***تفسیر ملاصدرا***، ج ۶، ص ۲۷۳.

۶. ر.ک: مدرّسی، ***من هدی القرآن***، ج ۱۵، ص ۹۷.

می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ...».[۱] تجهیزات سه‌گانه انبیای الهی زمانی می‌تواند برای اجرای عدالت به هدف نهایی برسد که از ضمانت اجرایی آهن و «بأس شدید» آن برخوردار باشد. کلمه «بأس» به معنای تأثیر شدید است.[۲] در روایتی از مولا علی‌ﷺ نقل شده است: «منظور اسلحه و غیر آن است».[۳]

مفردات و لحن بیان آیه شریفه، اولاً بیانگر ارزش و جایگاه ممتاز عدالت‌ورزی در نظامات توحیدی بنیانگذاری‌شده توسط انبیاﷺ است، که می‌فرماید: «اگر نیاز شد برای برپایی عدل و مبارزه با ظلم و فساد باید شمشیر کشید و جنگید»؛ ثانیاً بیانگر تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با ظلم و فساد در اجتماع است و اینکه تا با عوامل بی‌عدالتی و فسادآفرین برخورد نشود، عدالت در جامعه حاکم نمی‌شود.

سیری در تاریخ نیز گویای این مطلب است که هرموقع پیروان انبیا به این دو مقوله توجه داشته و در این راستا عمل کرده‌اند، باعث پویایی و پیشرفت جامعه خود و در نتیجه تمدن‌سازی شده‌اند؛ ولی جوامعی که نسبت به این دو، غفلت کرده‌اند، دچار افول تمدنی شده‌اند؛ به‌عنوان نمونه مورخان درباره اینکه چرا تمدن عظیم ایرانیان، از مسلمانان اولیه شکست خورد و چرا همین مسلمانان که روزگاری در اوج عظمت و افتخار و اقتدار تمدنی بودند، دچار انحطاط تمدنی شدند، بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از عوامل مهم همه این اتفاقات، ظلم، تضاد طبقاتی و رخنه فساد در ارکان جامعه و در نتیجه نارضایتی عمومی از وضع موجود بوده است. مطلبی که هم در ایران زمان ظهور اسلام کاملاً مشهود است[۴] و هم در دربار و ارکان خلافت اسلامی در سال‌هایی که مست قدرت و رفاه شده بودند و به ظلم و شهوترانی پرداختند.[۵]

سه. اقتصاد عدالت‌محور و به دور از فساد

یکی دیگر از دستورات عدالت‌خواهانه قرآن کریم که در راستای عدالت اقتصادی و مبارزه با فساد اقتصادی و غیر آن بوده، در قالب مأموریت حضرت شعیبﷺ در ارشاد قومش تذکر داده شده است:

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ... * وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.[۶]

---

۱. حدید / ۲۵.
۲. ن.ک: طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۹، ص ۱۷۲.
۳. عروسی حویزی، ***نور الثقلین***، ج ۵، ص ۲۵۰.
۴. ن.ک: کریستن‌سن، ***ایران در زمان ساسانیان***، ص ۶۴۸؛ مرتضی راوندی، ***تاریخ اجتماعی ایران***، ج ۲، ص ۱۰ و ۱۱.
۵. ن.ک: متز، ***تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری***، ج ۱، ص ۲۶ ـ ۲۴؛ ص ۳۹۹ ـ ۳۹۷؛ ص ۴۵۰ ـ ۴۲۱.
۶. هود / ۸۵ ـ ۸۴.

در آیه اول، پیامبر دل‌سوز قوم مدین، حضرت شعیب‌علیه‌السلام، بعداز دعوت به توحید، بلافاصله به یکی از مفاسد اقتصادی رایج قومش اشاره و از آن نهیشان فرمود: «وَلا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَالْمِيزانَ». کلمه «مکیال» و کلمه «میزان» اسم آلت‌اند و به معنای آن آلتی هستند که کالاها به وسیله آن، کیل و یا وزن می‌شود.[۱] بنابراین کم کردن آن‌ها به معنی کم‌فروشی و نپرداختن حقوق مردم است.[۲]

آیه بعد به‌خاطر اهتمام زیاد به جمله اخیر،[۳] مجدداً روی نظام اقتصادی آن‌ها تأکید می‌کند و شعیب‌علیه‌السلام که پیش‌تر قوم خود را از کم‌فروشی نهی کرده بود، در اینجا به پرداختن حقوق مردم دعوتشان می‌کند و می‌فرماید: «وَيا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَالْمِيزانَ بِالْقِسْطِ». در این آیه کلمه «قسط» به معنای عدل است و قیام به قسط به معنای عمل به قسط و تحفظ بر آن است؛[۴] یعنی اقامه قسط باید بر سراسر جامعه شما حکومت کند. سپس می‌فرماید: «وَلا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ». «بخس» در این آیه به معنی نقص و کم‌کردن از چیزی به‌طریق ظلم است[۵] و اگر به وسعت مفهوم این جمله دقت کنیم، دعوت به رعایت همه حقوق فردی و اجتماعی برای همه اقوام و همه ملت‌هاست.[۶] در پایان با جمله: «وَلا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»، بر پرهیز از فساد تأکید می‌کند.[۷]

مشابه مطالب آیات مورد بحث، درباره حضرت شعیب‌علیه‌السلام و قوم او، در سوره اعراف نیز آمده است. در این سوره، حضرت پیروان خود را بعداز دعوت به توحید، به عدالت‌ورزی و دوری از فساد دعوت می‌کند و ازآنجاکه یکی از مصادیق فساد قوم آن حضرت، صد راه خدا و ایجاد انحراف در آن با هدف مقابله با پیوستن ایمان‌آورندگان به آن حضرت بود، آنان را به یادآوری ازدیاد جمعیتشان به خواست خدا و عبرت‌گیری از عاقبت مفسدان فرامی‌خواند.[۸]

نتیجه موضوعی آنکه عدم سیر بر محور عدالت و فسادانگیزی از طرق مختلف، از جمله از طریق غشّ در معاملات، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر اجتماع وارد می‌کند و اگر جلوی آن گرفته نشود، اجتماع

---

۱. طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۰، ص ۳۶۱.
۲. ر.ک: مکارم شیرازی، ***نمونه***، ج ۹، ص ۲۰۱ ـ ۲۰۰.
۳. ابن‌عاشور، ***التحریر و التنویر***، ج ۱۲، ص ۱۳۷.
۴. ر.ک: طباطبایی، ***المیزان***، ج ۵، ص ۱۰۸.
۵. راغب اصفهانی، ***مفردات***، ص ۱۱۰.
۶. ر.ک: مکارم شیرازی، ***نمونه***، ج ۹، ص ۲۰۲.
۷. ر.ک: مکارم شیرازی، ***نمونه***، ج ۹، ص ۲۰۳ ـ ۲۰۲؛ همین‌طور ن.ک: به تحلیل جالب علامه طباطبایی در خصوص اهمیت معاملات و مبادلات مالی در حیات اجتماعی انسان بر مبنای عدالت‌محوری، و ارشاد به آثار سوء فساد از طریق کم‌فروشی و غیر آن ذیل همین آیه شریفه. (طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۰، ص ۳۶۴ ـ ۳۶۳)
۸. اعراف / آیه ۸۶ ـ ۸۵.

بشری با مشکلات عدیده ای، ازجمله سلب اعتماد عمومی، تشکیل باندهای فساد سازمان‌یافته، گسترش رانت‌های مختلف، افزایش فواصل طبقاتی و... روبه‌رو خواهد شد. همچنین اینکه قرآن کریم در سیاق واحد، صراحتاً بعداز دعوت به توحید، تأکید بر اقتصاد عدالت‌محور و به دور از فساد را مأموریت اصلی حضرت شعیب علیه السلام معرفی می‌کند، حاکی از اهمیت این دو موضوع در آموزه‌های وحیانی و همین‌طور تأکید بر تلازم آن دو است. بنابراین جامعه‌ای که دنبال تمدن‌سازی است، نمی‌تواند از عمل به این دو مقوله مهم غفلت کند و این امر یکی از مؤلفه‌های مهم جهت پیشرفت و تمدن‌سازی در گام دوم انقلاب است.

چهار. همگانی‌بودن عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد

از دیگر آیاتی که در آن، هم بر بحث مبارزه با فساد تأکید و هم بحث ارتباط اکثریت ظالم با فساد مطرح شده است، آیات شریفه سوره هود است که بعداز نقل داستان زندگی برخی انبیا ازجمله حضرت شعیب علیه السلام می‌فرماید:

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ * وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ.[1]

از این آیه چند مطلب برداشت می‌شود:

اول: واجب است با فساد و ظلم مبارزه کرد و صاحبان رأی و نخبگان جامعه در این راستا وظیفه مضاعف دارند. اگر اهالی جایی مصلح باشند و دنبال فساد نباشند، خدای متعال آنان را نابود نمی‌کند. دلیل نابودی آنان ظلم و فساد خودشان است.

دوم: با عنایت به اقلیت نجات‌یافته که از فساد نهی می‌کردند، صفت بارز اکثریتی که از فساد نهی نمی‌کردند را ظلم آنان بیان فرموده است و ازآنجاکه ظلم در مقابل عدل است، نتیجه می‌گیریم که مبارزه با فساد و عدالت‌ورزی، رابطه دوسویه دارند.

سوم: مشخصه اصلی ظالمان اقوام گذشته که به فساد آن‌ها انجامیده «ترف مترفین» بوده است که در تمام اقوام گذشته وجود داشته است و دلیل مخالفتشان با انبیا نیز همین بوده است. «**وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ**»؛[2] یعنی اولاً این ابتلاء خاتم الانبیاء عمومیت داشته و ثانیاً درد آن‌ها ترف و اسراف و تنعّم از وضع ظالمانه موجود بوده است و این منطق را که پدران

---

۱. هود / ۱۱۷ ـ ۱۱۶.
۲. سبأ / ۳۴.

ما چنین بوده‌اند[۱] را برای خود و برای حمایت از ترف خود تراشیده‌اند تا غیرمترفین و بیچاره‌های ضعیف را که دعوت جدید برای نجات آن‌ها آمده، در ناحیه فکر گمراه کنند که سنن گذشته لازم الاحترام‌اند و ای بسا خود آن‌ها به آن سنن کوچک‌ترین علاقه‌ای نداشتند. همچنین ازآنجاکه هدف انبیا عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد مترفین بوده است، قهراً این افراد، در مقابل انبیا ایستاده و با آن‌ها مخالفت می‌کردند.

چهارم: همان‌گونه که برخی مفسرین گفته‌اند، اگر یکی از وجوه ظلم در آیه ۱۱۷ را به معنای شرک بگیریم،[۲] در آن صورت این نکته نیز برداشت می‌شود که عدل، حافظ بقای یک ملت است و مُلک با کفر باقی می‌ماند، اما با به‌هم‌خوردنِ تعادل باقی نمی‌ماند.[۳]

پنجم: نتیجه نافرمانی انبیا و ظلم و گردنکشی و نیرنگ، چیزی جز هلاکت در اقوام گذشته نبوده است. آن‌ها با وجود قدرت و شوکتی که داشتند، عاقبت هلاک شدند و از تمدنشان جز نامی در یادها باقی نماند و این سنت خدای متعال در طول تاریخ بشری بوده است.[۴] بنابراین در راستای عمل به بیانیه گام دوم، برای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی، باید به این مسئلهٔ مهم توجه کنیم که ما خارج از سنت الهی نیستیم و در صورت عدم توجه به معارف انبیا، ازجمله فراگیری ظلم و تبعیض و نبود عدالت، نه‌تنها نمی‌توانیم تمدن‌سازی کنیم، بلکه مثل گذشتگان دچار افول تمدنی می‌شویم و در نهایت مُلکی برایمان باقی نخواهد ماند.

پنج. قاطعیت در مواجهه با طغیانگران فسادآفرین

یکی دیگر از دستورات صریح قرآن کریم در زمینه مبارزه با ظلم و فساد و سیر در مسیر و بر محور عدالت، در این آیه شریفه منعکس است:

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.[۵]

رویکرد حاکم بر این آیه نشان می‌دهد که در مواجهه با طغیانگرانی که نتیجه عملشان فساد در جامعه است، بایستی قاطعانه مقابل «تعدی‌کننده به ناحق»[۶] ایستاد و به قتال او رفت، هرچند تعدی‌کننده از خود مؤمنین باشد. این مطلب حاکی از اهمیت موضوع مبارزه با عوامل فسادزا است. در نهایت تذکر

---

۱. زخرف / ۲۴ ـ ۲۳.

۲. ن.ک: طبرسی، ***مجمع البیان***، ج ۵، ص ۳۰۹؛ بیضاوی، ***انوارالتنزیل و اسرارالتأویل***، ج ۳، ص ۱۵۲.

۳. ن.ک: فیض کاشانی، ***الصافی***، ج ۲، ص ۴۷۷؛ مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۱۷، ص ۴۶۰.

۴. ن.ک: فاطر / ۴۴ ـ ۴۳؛ غافر / ۸۵ ـ ۸۱.

۵. حجرات / ۹.

۶. ن.ک: طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۸، ص ۳۱۵ ـ ۳۱۴؛ ابن‌عاشور، ***التحریر و التنویر***، ج ۲۶، ص ۲۴۰ ـ ۲۴۲.

می‌دهد که در صورت بازگشت طغیانگر به امر خدا و گردن نهادن به دستورات الهی، بین آن‌ها مصالحه کنید، اصلاحی توأم با عدل؛ به این معنا که احکام الهی را در مورد هرکسی که به او تجاوز شده اجراء کنید. این امر حاکی از اهمیت عدالت‌محوری در برخورد با مسائل پیش‌آمده و همین‌طور بیانگر نقش مهم این دو اصل در احیای جامعه انسانی است، تا هرکسی به حق خود قانع باشد و به حقوق دیگران احترام بگذارد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، مفاد صریح این آیه شریفه مبارزه با طاغیان و ظالمان که نتیجه رفتارشان فساد و تباهی زمین و زمینیان است و همین‌طور عدالت‌خواهی است، هرچند طاغیان از بین خود مسلمانان باشند. همان‌گونه که مولا علی‌علیه‌السلام با طاغیانی که جزو امت بودند، جنگیدند.[۱]

در بینش مولا علی‌علیه‌السلام، عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، اهمیت فراوانی دارد. اساساً هدف مولا علی‌علیه‌السلام از پذیرش حکومت، برپایی عدالت و مبارزه با ظالمان فسادگستر بود.[۲] وقتی از آن حضرت سؤال می‌شود که عدل بالاتر است یا جود، حضرت به دلیل اینکه برخلاف جود، عدل هر چیزی را سر جای خود قرار می‌دهد و تدبیر عمومی مردم است، عدالت را بافضیلت‌تر و شریف‌تر از جود می‌داند؛[۳] یعنی آنچه می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است.[۴]

در منش حضرت امیرعلیه‌السلام نیز توجه همزمان به عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد کاملاً مشهود است؛ مثلاً آنجا که می‌فرماید:

> به خدا سوگند، بیت‌المالِ تاراج‌شده را هرجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و کسی که عدالت بر او گران آید، تحمّل ستم برای او سخت‌تر است.[۵]

از این موارد نتیجه می‌گیریم که در راستای عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، بایستی تمام ملاحظات قومی، قبیله‌ای، خویشاوندی، عرف غلط، حرف و حدیث این و آن و... را کنار بگذاریم[۶] و حتی به جنگ با فسادانگیزان و فتنه‌گران، ولو از خود مسلمانان رفت[۷]

---

۱. ر.ک: کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۱۱؛ عروسی حویزی، ***نورالثقلین***، ج ۵، ص ۸۴.
۲. ن.ک: ***نهج البلاغه***، خطبه ۳، ص ۴۸.
۳. ***نهج‌البلاغه***، حکمت ۴۳۷، ص ۷۳۴.
۴. ن.ک: مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۱۶، ص ۴۳۷ ـ ۴۳۶.
۵. ***نهج‌البلاغه***، خطبه ۱۵، ص ۵۹؛ در این راستا همین‌طور ن.ک: خطبه ۱۲۶، ص ۲۴۰ ـ ۲۳۸.
۶. ن.ک: نساء / ۱۳۵؛ مائده / ۸.
۷. حجرات / ۹.

حضرت امیرعلیه‌السلام با سیره علمی و عملی خود که نمونه‌هایی از آن را بازگو کردیم، فلسفه فیلسوفانی مانند ماکیاولی و نیچه که عدالت را اختراع ضعفا در مقابل اقویا دانسته و برای آن اصالتی قائل نیستند، یا کسانی مانند توماس هابز، هیوم و برتراند راسل که مبنای ارزشمندی فضیلتی مانند عدالت را منفعت آن می‌دانند، را نقض کرده است. همان‌گونه که ملاحظه می کنید، مطلق و قدسی‌بودن عدالت، فطری‌بودن آن و التزام به عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، در اندیشه و عمل آن حضرت کاملاً مشهود است.

بنابراین اینکه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، به تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد تأکید می کنند و می‌فرمایند: «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌هاست و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌هاست. ... دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیّت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. ... این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد. ... در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیّت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدّت بیمناک باشد... .»، برگرفته از معارف وحیانی در راستای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی و شاخص صلاحیت یک جامعه دینی است و حکومت دینی نمی‌تواند نسبت به این دو مقوله بی‌تفاوت باشد، وگرنه طبق وعده قرآن، نه‌تنها به سرنوشت اقوام گذشته دچار و از پیشرفت و تمدن فاصله خواهد گرفت، بلکه مثل اقوام گذشته تاریخ، دچار هلاکت خواهد شد؛ برعکس، در جامعه‌ای که بر مبنای عدالت و مبارزه با فساد شکل می‌گیرد، با توزیع عادلانه منابع، تضاد طبقاتی کم می‌شود، آحاد جامعه امنیت روانی پیدا می کنند و بین مردم و مسئولان اعتماد به وجود می‌آید، از بروز ناآرامی‌های اجتماعی جلوگیری می‌شود، با ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاری، زمینه رشد اقتصادی فراهم می‌شود و در نتیجه رونق کسب و کار و پیشرفت، ارکان جامعه را فراگرفته و به تبع آن، به تمدن‌سازی کمک خواهد شد.

نتیجه

با توجه به توضیحاتی که بیان شد نتایج ذیل قابل احساء است:

ـ برخلاف نظر برخی که برای عدالت، اصالت قائل نیستند و معتقدند اختراع ضعفا در مقابل اقویا و یا تابع قراردادهای اجتماعی است و ارزش آن را تابع منفعت‌دهی‌اش می‌دانند و همین‌طور مخالف قدسی و مطلق‌بودن عدالت هستند، در آموزه‌های وحیانی عدالت یک حقیقت برگرفته از وحی و نبوت بوده، با فطرت انسان‌ها منطبق و برایشان قابل درک است، و گرنه اصرار بر استقرار و التزام همگان به عدالت، با وجود عدم تبیّن وحیانی آن معنا ندارد. ضمن اینکه این‌همه تأکید بر عدالت، علاوه‌بر اینکه نشان از اهمیت داشتن و فضیلت‌بودن آن است، حاکی از این است که عدالت، حقیقتی مطلق است، نه نسبی.

ـ بحث فضیلت عدالت‌ورزی و امر به آن و در مقابل رذیلت فساد و نهی از آن، در آیات متعددی از قرآن کریم مطرح شده است که با جامع‌نگری در قرآن و با توجه به کارکرد متضاد عدالت‌ورزی و فساد، حاکی از وجوب همزمان عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد است؛ ولی در سیاق واحد و متصل نیز در جاهای متعددی به همزمانی این دو برمی‌خوریم که حاکی از تلازم آن‌هاست: اینکه قرآن کریم در سیاق واحد، همگان را به عدالت امر و از بغی و تعدی که نتیجه آن فساد گسترده است، نهی فرموده است؛ یکی از اهداف مهم بعثت انبیا را تربیت مردم، به‌گونه‌ای‌که خود مجری عدالت شوند، معرفی کرده است و یکی از فلسفه‌های نزول آهن را ساخت تجهیزات جنگی برای مقابله با برهم‌زنندگان عدالت و فسادانگیزان معرفی فرموده است؛ دستور به قتال با طغیانگران، حتی از مؤمنین داده تا به صراط عدالت برگشته و با تعدی و تجاوز به حقوق دیگر مومنین، دنبال فسادانگیزی نباشند؛ توصیه موکّد به اقتصاد عدالت‌محور و به دور از فساد فرموده و به‌طور کلی مبارزه با فساد و عدالت‌ورزی را وظیفه همگان، به‌ویژه نخبگان جامعه و نهایتاً وظیفه اساسی حاکمیت هر جامعه‌ای دانسته است، این موارد حاکی از اهمیت تلازم این دو مقوله است، که بدون وجود هرکدام نتیجه لازم گرفته نمی‌شود.

ـ از نگاه قرآن کریم در راستای عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، بایستی تمام ملاحظات قومی، قبیله‌ای، خویشاوندی، عرف غلط و... را کنار گذاشت و حتی به جنگ با فسادانگیزان و فتنه‌گران، ولو از خود مؤمنان رفت.

ـ هرچند همه آحاد جامعه در خصوص عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد مسئولیت دارند، ولی نخبگان علمی و فرهنگی از جهت تبیین و ترویج جایگاه و اهمیت این دو، و دولتمردان و مسئولین جامعه در راستای اجرایی کردن این‌ها، مسئولیت مضاعفی دارند. همان‌گونه که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به لزوم اجرای همزمان آن دو، مخصوصاً توسط مسئولان تأکید شده است.

ـ نتیجه توجه به تلازم عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد و عمل در این راستا، شکل‌گیری جامعه سالم و پیشرفته و نهایتاً شکل‌گیری تمدن خواهد بود، و بالعکس غفلت از توجه همزمان به این دو مقوله، باعث پسرفت جامعه و در نتیجه افول تمدنی خواهد شد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم (۱۳۷۳ ش). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دار القرآن الکریم. دفتر مطالعات.

نهج‌البلاغه (۱۳۸۰ ش). ترجمه محمد دشتی. قم: مشهود.

۱. آلوسی، سید محمود (۱٤۱۵ ق). ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم***. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲. آل‌یمین، حامد؛ محمدهای‌ی آل‌یمین؛ محمدحسین مختاری و مجید قربانعلی دولابی. واکاوی تلازم عدالت و سیاست در اندیشه فقهی سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. ***پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی***. ۱۰ (۳). ٤۲ ـ ۲۷.

۳. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸٤م). ***التحریر و التنویر***. تونس: الدار التونسیة للنشر.

٤. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ ق). ***لسان العرب***. بیروت: دار الفکر.

۵. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱ ش). ***عدالت در نظام سیاسی اسلام***. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

٦. باربور، ایان (۱۳۹۳ ش). ***علم و دین***. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۷. بحرانی، سید هاشم (١٤١٦ ق). ***البرهان فی تفسیر القرآن***. تهران: بنیاد بعثت.

۸. بلوم، ویلیام تی (۱۳۷۳ ش). ***نظریه‌های نظام سیاسی؛ کلاسیک‌های اندیشه سیاسی و تحلیل سیاسی نوین***. ترجمه احمد تدین. تهران: نشر آران.

۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (١٤١٨ ق). ***أنوار التنزیل و أسرار التأویل***. بیروت: دار احیا التراث العربی.

۱۰. پازارگاد، بهاءالدین (۱۳۵۹ ش). ***تاریخ فلسفه سیاسی***. تهران: زوار.

۱۱. پورکاویان، زینب و زهرا صرفی (۱۳۹۹ ش). مستندات روایی بند «عدالت و مبارزه با فساد» در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. ***کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب***. مشهد.

۱۲. پویمن، لوئیس (۱۳۷۷ ش). نقدی بر نسبیت اخلاقی. ***نقد و نظر***. ترجمه محمود فتحعلی. ش ١٤ ـ ۱۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۳. ترابی، حمیده (١٤٠١ ش). نقش مبارزه با فساد در ارتقای شاخص‌های عدالت. ***اندیشکده تعاون و توسعه***.

١٤. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸٦ ش). ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. قم: دفتر نشر معارف.

۱۵. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳ ش). ***فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو***. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

١٦. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: www.farsi.khamenei.ir

۱۷. خواجه‌زاده، لیلا و فاطمه سلمانی صلح آبادی (۱۳۹۹ ش). تبیین مؤلفه عدالت و مبارزه با فساد با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. ***دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه***. شیراز.

۱۸. دورانت، ویل (۱۳۹۱ ش). ***تاریخ تمدن***. ترجمه صفدر تقی‌زاده و ابوطالب صارمی. تهران: علمی فرهنگی.

۱۹.دورانت، ویل و آریل (۱۳۹۱ ش). ***تاریخ تمدن***. ترجمه اسماعیل دولتشاهی و علی‌اصغر بهرام‌بیگی. تهران: علمی فرهنگی.

۲۰.راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱٤۱۲ ق). ***المفردات فی غریب القرآن***. دمشق بیروت: دار العلم الدار الشامیة.

۲۱.راوندی، مرتضی. ***تاریخ اجتماعی ایران***. تهران: امیر کبیر. بی‌تا.

۲۲.زمخشری، محمود (۱٤۰۷ ق). ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل***. بیروت: دار الکتاب العربی.

۲۳.سیوطی، جلال‌الدین (۱٤۰٤ ق). ***الدّرّ المنثور فی التّفسیر بالمأثور***. قم: مکتبة آیةالله المرعشی النجفی.

۲٤.صالحی، بهروز (۱٤۰۱). تبیین مؤلفه‌های مبارزه با فساد و برقراری عدالت با تأکید بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب. ***فصلنامه علمی گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی***. ۲ (۲). ۸۹ـ ٦۸.

۲۵.صدر، سیدمحمدباقر (بی‌تا). ***سنت‌های تاریخ در قرآن***. ترجمه سید جمال موسوی‌اصفهانی. قم: اسلامی.

۲٦.صدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳٦٦ ش). ***تفسیر ملاصدرا (صدرالمتألهین)***. قم: بیدار.

۲۷.طباطبایی، سید محمدحسین (۱٤۱۷ ق). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۲۸.طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). ***مجمع البیان لعلوم القرآن***. تهران: ناصر خسرو.

۲۹.طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ ش). ***جوامع الجامع***. تهران: دانشگاه تهران.

۳۰.طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). ***التبیان فی تفسیر القرآن***. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۱.عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱٤۱۵ ق). ***تفسیر نور الثقلین***. قم: اسماعیلیان.

۳۲.فتاحی‌زاده، فتحیه و معصومه شیردل (۱۳۹۷ ش). معناشناسی توصیفی «فساد» در تفسیر آیات قرآن کریم. ***مطالعات تفسیری***. سال ۹. ش ۳٤.

۳۳.فخر رازی، محمد (۱٤۲۰ ق). ***التفسیر الکبیر***. بیروت: دار حیاء التراث العربی.

۳٤.فروغی، محمدعلی (۱۳٤٤ ش). ***سیر حکمت در اروپا***. تهران: زوار.

۳۵.فیض کاشانی، ملامحسن (۱٤۱۵ ق). ***الصافی***. تحقیق حسین اعلمی. تهران: الصدر.

۳٦.قادری، حاتم (۱۳۸۱ ش). ***آزادی وجدان (مفهومی پساپیامبری)***. تهران: نشر اختران.

۳۷.قمی، عباس (۱٤۱٤ ق). ***سفینة البحار***. قم: دار الاسوه.

۳۸.قمی، علی بن ابراهیم (۱۳٦۷ ش). ***تفسیر قمی***. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. قم: دار الکتاب.

۳۹.کریستن سن، آرتور (۱۳۷٤ ش). ***ایران در زمان ساسانیان***. ترجمه رشید یاسمی. دنیای کتاب.

٤٠. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ ق). ***الکافی***. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

٤١. لطیفی، محمود (١٣٨٤ ش). مبانی عدالت اجتماعی. ***فصلنامه حکومت اسلامی***. ١٠ (١). ٣٢ ـ ١٩.

٤٢. متز، آدام (١٣٦٤ ش). ***تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری***. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیرکبیر.

٤٣. مدرسی، سید محمدتقی (١٤١٥ ق). ***من هُدی القرآن***. تهران: دار محبی الحسین.

٤٤. مراغی، احمدمصطفی (بی‌تا). ***تفسیر المراغی***. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

٤٥. مطهری، مرتضی (١٣٧٧ ش). ***مجموعه آثار شهید مطهری***. تهران ـ قم: صدرا.

٤٦. مفید، محمد بن محمد (١٤١٣ ق). ***الافصاح فی فقه اللغه***. قم: کنگره شیخ مفید.

٤٧. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٤ ش). ***تفسیر نمونه***. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

٤٨. موسی‌زاده، ابراهیم (١٣٩٠ ش). حاکمیت و عدالت در قرآن و اندیشه سیاسی مولا علی‌ﷺ. ***مجله حقوق اساسی***. ٥ (٢). ٢٥ ـ ٧.

٤٩. نظامی، فرهاد؛ غلامرضا رضائیان و محمد قصری. بررسی و تبیین عدالت و مبارزه با فساد در ناجا در بیانیه گام دوم انقلاب. ***نظارت و بازرسی***. ٥٦ (٤). ٧٨ ـ ٣٩.

٥٠. نیچه، فریدریش (١٣٧٧ ش). ***تبارشناسی اخلاق***. ترجمه داریوش آشوری. تهران: نشر آگه.